

حمایت کیفی از استفاده از اطلاعات نهانی در حقوق ایران

الهام سلیمان دهکردی^۱، سمیرا پیریایی^۲

چکیده

اطلاعات نهانی مهم ترین دارایی در بازار سرمایه است چرا که مبنای اصلی تصمیم گیری در بورس و کنترل ریسک در این بازار است. اکثر قواعد و مقررات بورسی در کشورهای مختلف به تأسی از این دیدگاه، شرکت هایی که سهام شان را در بورس خرید و فروش می کنند مکلف کرده اند تا اطلاعات نهانی خود را به صورت مستمر و یکسان در اختیار همه سرمایه گذاران قرار دهند تا سرمایه گذاران بر اساس این اطلاعات بتوانند در مورد معامله سهام خود و یا حفظ سهام خود تصمیم گیری کنند و از پذیرا شدن ریسک عمده و قابل توجه در معاملات خود اجتناب کنند. ایران نیز در بند ۳۲ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ به تعریف این اطلاعات پرداخته و در بند ۱ ماده ۴۶ این قانون به حمایت کیفی از این اطلاعات پرداخته است. در این ماده سوءاستفاده از اطلاعات نهانی مورد جرم انگاری قرار گرفته است. عنصر مادی این جرم استفاده نامشروع و خارج از کانال مقرر از اطلاعات است، عنصر روانی این بزه نیز استفاده عالمانه و عمدانه از این اطلاعات است. در ادامه به حمایت کیفی از این بزه به تفصیل پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: اطلاعات نهانی، ایران، حمایت کیفی، بورس.

۱- دکتری حقوق کیفی و جرم شناسی از دانشگاه علامه طباطبایی soleiman.elham@gmail.com

۲- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی (نویسنده مسئول) s.piryaee1364@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۰

مقدمه

جرم سوءاستفاده از اطلاعات نهانی یکی از بزه های پایه ای بازار سرمایه محسوب می شود که منشاء جرائم دیگری من جمله معامله متکی بر اطلاعات نهانی است از این رو قانون گذار به خاطر بازداری از جرائم پسینی به عنوان اولین جرم فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ به جرم انگاری این رفتار دست یازید. در این مقررره برای اشخاصی که به موجب وظیفه خود به این اطلاعات دست یافته اند و از آنها سوء استفاده کنند، مجازات تعیین شده است. فلسفه مقنن از اعتنا به کسانی که بر حسب وظیفه به اطلاعات دسترسی یافته اند به عنوان مرتکب این جرم این است که این افراد به خاطر رابطه ای که با شرکت دارند به سهولت به اطلاعات دسترسی دارند و با وقوف کامل به اهمیت آنها به نفع خود و به ضرر دیگران در معاملات سهام خود از آنها استفاده می کنند و خود را از هر گونه مسئولیتی مبری می دانند. هر چند این مقررره از بسیاری از سوء استفاده ها جلوگیری نمود با این حال به نظر بهتر بود که دامنه مرتکبین این جرم محدود به افراد فوق الذکر نمی شد و هر فردی که به هر طریقی دارنده این اطلاعات شده بود، در صورتی که به نحوی از انحاء از آن اطلاعات سوءاستفاده می نمود، به مجازات مقرر در این ماده محکوم می شد.

۱- عنصر مادی استفاده از اطلاعات نهانی

۱-۱- رفتار مادی فیزیکی

گاه قانون گذار مخاطبان خود را به انجام دادن فعلی تکلیف می کند و گاه از انجام رفتاری باز می دارد، برای نمونه در زمانی که قانون گذار سرقت را جرم به حساب می آورد، تحقق رفتار جزایی این جرم با فعل امکان پذیر است زیرا در اینجا سارق از ارتکاب سرقت منع شده است و با انجام دادن فعل موضوع نهی، مخاطب نهی قانون گذار قرار گرفته و در زمانی که قانون گذار مرد را به دادن نفقه امر کرده، در صورت خودداری مرد از دادن نفقه، فرد مخاطب امر قانون گذار قرار گرفته و به این وسیله مجرم شناخته شده است.

در فرض اول فرد با امتثال از نهی قانون گذار، مرتکب جرم شده است و در فرض دوم فرد با امتناع از امر قانون گذار، مرتکب جرم شناخته شده است. عنصر مادی متشکل از سه جزء می باشد: رفتار بسته به نوع جرم می تواند فعل یا ترک فعل باشد، شرایط و اوضاع و احوال که وجود یا فقدان آنها از نظر قانون شرط تحقق جرم می باشد، نتیجه حاصله یعنی رفتار متهم باید با نتیجه ارتكابی رابطه علیت داشته باشد،

البته باید در نظر داشت که همه جرایم لزوماً از هر سه جزء عنصر مادی برخوردار نیستند، برای مثال شروع به جرم یا جرایم مطلق نیاز به حصول نتیجه ندارند. در مورد جرم مورد نظر ما مقنن به طور کلی به این جرم پرداخته است و تنها به ذکر مجازات بسنده کرده است در حالی که بیهوده نبود که قانون گذار به تعریف رفتار اشاره می کرد. مفاد این مقرر به این شرح است: هر شخصی که اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار موضوع این قانون را که حسب وظیفه در اختیار وی قرار گرفته به نحوی از انحاء به ضرر دیگران یا به نفع خود یا به نفع اشخاصی که از طرف آنها به هر عنوان نمایندگی داشته، قبل از انتشار عمومی مورد استفاده قرار دهد یا موجبات افشاء و انتشار آنها را در غیر موارد مقرر فراهم نماید به دو تا پنج برابر سود به دست آمده یا زیان متحمل نشده یا هر دو مجازات محکوم می شود. مراد از استفاده در این مقرر ارتکاب اعمالی مانند به کارگرفتن اطلاعات، در دسترس دیگری قرار دادن، تسلیم و ارائه کردن، انتقال دادن، توصیه کردن و ترغیب کردن با ذکر پاره ای از اطلاعات و در غیر موارد مقرر است. البته عده ای معتقدند قانون گذار بایست به جای به کار بردن واژه «استفاده» از واژه «سوءاستفاده» استفاده می کرد زیرا آنچه دارای بار معنایی منفی برای جرم انگاری است سوءاستفاده یا استفاده سوء از اطلاعات نهانی می باشد نه استفاده صحیح از آنها (انصاری و صفدری، ۱۳۹۰، ۲۰۳).

استفاده از اطلاعات نهانی به خودی خود و در راستای انجام وظیفه جرم نیست و تنها هنگامی جرم است که سوء استفاده از اطلاعات و کاربست آنها در غیر از مجرای صحیح و قانونی باشد. این قید به صراحت با به کارگیری تعبیر در غیر «موارد مقرر» در ماده عنوان شده است. رفتار مادی برای تحقق این جرم انجام فعل مشخص استفاده کردن است که به انحاء مختلف مانند در دسترس قرار دادن اطلاعات، ارائه کردن اطلاعات، خرید و فروش اطلاعات و... قابلیت بروز و ظهور دارد. در ماده نیز به صراحت اشاره شده که «هر شخصی که اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار موضوع این قانون را که حسب وظیفه در اختیار وی قرار گرفته به نحوی از انحاء به ضرر دیگران یا نفع خود یا به نفع اشخاصی که از طرف آنها نمایندگی دارد قبل از انتشار عمومی استفاده کند» اما در مورد این که آیا این جرم از طریق ترک فعل هم قابل ارتکاب است یا خیر؟ اختلاف نظر وجود دارد. گروهی معتقدند که وقتی قانون گذار فرد را از استفاده کردن نهی می کند، تحقق نهی قانون گذار و بالتبع محقق شدن جرم با امتثال آن نهی امکان پذیر است یعنی به محض استفاده کردن از اطلاعات به انحاء مختلف جرم محقق شده است و در صورت ترک کردن نهی قانون گذار جایی برای تحقق جرم وجود ندارد (Edward, 1999, 17).

گروه دوم معتقدند که در صورت تحقق شرایط ترک فعل، امکان تحقق این جرم از طریق ترک فعل نیز وجود دارد (Brain, 1997, 11). در صدر ماده آمده «هر شخصی که اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار

موضوع این قانون را که حسب وظیفه در اختیار وی قرار گرفته» ظاهر این عبارت آشکار می‌کند که فرد به اطلاعات بر حسب وظیفه دسترسی دارد. در ادامه آمده «به نحوی از انحاء به ضرر دیگران یا به نفع خود یا به نفع اشخاصی که از طرف آنها به هر عنوان نمایندگی داشته باشد قبل از انتشار عمومی مورد استفاده قرار دهند» از این عبارت دو نکته قابل استنباط است: فرد از استفاده از اطلاعات منع شده است و در صورت استفاده مجرم است، به هر نحوی که فرد از اطلاعات استفاده کند اعم از آن که در جهت نفع خود یا ضرر دیگران باشد مرتکب جرم است، یعنی قانون گذار به شکل استفاده هیچ توجهی ندارد و آنچه برای قانون گذار اولویت دارد عدم استفاده از اطلاعات است، این نکته از عبارت به نحوی از انحاء قابل استنتاج است. منظور از به نحوی از انحاء اعم از فعل یا ترک فعل می‌باشد. بحث رابطه علیت یعنی بین رفتار مداخله آمیز فرد در ارتکاب جرم با نتیجه باید رابطه سببیت برقرار باشد. نحوه مداخله فرد در یک پدیده مجرمانه نیز به سه صورت است یا به مباشرت یا تسبیب و یا اجتماع سبب و مباشر. بر اساس ماده ۴۹۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب انجام شود.» مباشرت به طور مسلم از طریق فعل صورت می‌گیرد زیرا وقتی در خود متن ماده از نظیر استفاده کند، درون اش فعل مثبت مستتر است پس اگر بخواهیم مستقیم و بلاواسطه فرد را به عنوان مرتکب جرم بشناسیم و عمل را به او منتسب کنیم باید به صورت فعل مثبت و در قالب مباشرت این رفتار از سوی او ارتکاب یابد. صورت دوم مشارکت در عمل، تسبیب است. در ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده: «تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد مانند آن که چاهی بکند و کسی در آن بیافتد و آسیب ببیند.» در تسبیب نیز جرم به صورت غیرمستقیم از سوی فاعل صورت خواهد گرفت. تسبیب به دو صورت امکان تحقق دارد: فعل و ترک فعل. در این بحث استفاده از اطلاعات نهانی نیز امکان تحقق تسبیب از طریق فعل وجود دارد مثلاً شخص الف که بازرس شرکت است، اطلاعاتی که حسب وظیفه به او سپرده شده است را در فایل همکارش قرار می‌دهد و به طور غیرمستقیم با قراردادن اطلاعات در دسترس او موجبات استفاده او را از اطلاعات فراهم می‌کند. در مورد بحث تسبیب از طریق ترک فعل می‌توان به شیر ندادن دایه به کودک اشاره کرد که در اینجا نیز فرد به طور غیرمستقیم منجر به مرگ آن فرد شده است، در اینجا دایه با شیر ندادن باعث مرگ طفل شده است. در بحث استفاده از اطلاعات نهانی، امکان تحقق تسبیب از طریق ترک فعل وجود ندارد، دلیل این امر این است که در این جرم در حقیقت تنها یک فعل لازم وجود دارد و آن استفاده کردن است. در این مورد تنها نفس فعل مهم است و نتیجه اهمیتی ندارد از این رو امکان

تحقق جرم به صورت ترک فعل وجود ندارد زیرا رابطه انتساب به صرف ترک فعل قطع می‌شود و تنها چیزی که وجود دارد یک عدم امتثال است از این رو شرط سوم برای مسئول شناختن تارک فعل که برقراری رابطه انتساب بین رفتار و نتیجه است، وجود ندارد. حالت سوم فرض اجتماع سبب و مباشر است. اجتماع سبب و مباشر هنگامی است که بین فعل مسبب و نتیجه حاصله فعل فاعل مختار باشد اعم از این که فاعل مختار جاهل باشد یا عالم باشد، اگر عالم باشد، مباشر اقوی از سبب است و اگر جاهل، سبب اقوی از مباشر است. مثالی که می‌توان ارائه داد این است که شخص الف با این که می‌داند اطلاعات نهانی است و باید از آنها مراقبت کند عملاً درب کشوی میز خود را باز می‌گذارد تا فرد ب بیاید و اطلاعات را بردارد. در این مورد دو عقیده وجود دارد: عده ای معتقدند اجتماع سبب و مباشر است که سه حالت در آن متصور است یا بین فعل سبب و نتیجه فعل فاعل مختار آگاه فاعل می‌اندازد در این حالت مباشر اقوی از سبب است یا بین فعل سبب و نتیجه، فاعل ناآگاه فاعل می‌اندازد که سبب اقوی است و یا هم مباشر و هم مسبب آگاه اند در این حالت به استناد ماده «۵۲۶»^۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ استفاده به هر دوی اینان منتسب است مگر این که تاثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تاثیر رفتارشان مسئول هستند (نویخت، ۱۹۰۱۳۸۵). البته در مورد این حالت اخیر گروهی معتقدند مسبب به عنوان معاون شناخته می‌شود در واقع مسبب با باز گذاشتن درب کشوی خود به مباشر کمک رسانده و موجبات استفاده از اطلاعات را فراهم کرده است (عیوض لو و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۱).

با توجه به توضیحات ارائه شده به نظر می‌رسد در صورتی که فرد به نحو مباشرت یا تسبیب در عمل مجرمانه دخالت داشته باشد، تنها امکان تحقق آن از طریق فعل متصور است و تنها در فرض اجتماع سبب و مباشر است که امکان تحقق آن از طریق ترک فعل دور از ذهن نیست. در استفاده از اطلاعات نهانی، فردی که اطلاعات بنا بر وظیفه در اختیارش قرار گرفته از آنها به نفع خود یا دیگران که از طرف آنها نمایندگی دارد یا به ضرر دیگران مورد استفاده قرار می‌دهد. مصادیق استفاده از اطلاعات نهانی بسیار گسترده است و صرف توصیه تا خرید و فروش اطلاعات ذیل این گستردگی قرار می‌گیرد اما اعمالی مانند افشاء کردن اطلاعات یا معامله کردن بر مبنای اطلاعات را شامل نمی‌شود چرا که استعمال

۱- هر گاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشد مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است.

لفظ واحد در بیش از یک معنا جایز نیست (جنیدی، ۱۳۸۸، ۱۳۱). هر چند قانون گذار واژه استفاده را در کنار واژه افشاء به کار برده است و به نوعی عام را در کنار خاص استعمال کرده است اما از این امر یک غرض مهم داشته و آن این که استفاده از افشاء جداست و بین این دو رابطه منطقی عموم و خصوص مطلق برقرار است (سلیمان دهکردی، ۱۳۹۱، ۲۳)، در کنار این توضیحات دو قاعده اصولی در جهت تصدیق بیشتر به کار می روند: اذا اجتماعا افتراقا یعنی وقتی قانون گذار دو لفظ را در یک عبارت کنار همدیگر ذکر می کند از این دو لفظ، دو معنای متفاوت را اراده کرده است در اینجا قانون گذار از عبارت «استفاده کند یا موجبات افشاء و انتشار را فراهم کند» استفاده کرده است و نشان می دهد استفاده همه مصادیق را در بر می گیرد به جزء افشاء و انتشار را و در بند دوم ماده ۴۶ نیز از لفظ معامله استفاده شده است که این امر نشان می دهد، معامله نیز از شمول استفاده خارج است در حالی که اگر به صراحت این الفاظ در هر دو بند استفاده نشده بود، تحت شمول لفظ عام استفاده قرار می گرفتند و جزء مصادیق آن بودند. تغایر مترادفین: وقتی قانون گذار دو لفظ را با حرف عطف (یا) به هم عطف می کند طبق اصل تغایر مترادفین معنی واژه قبل از عطف با واژه بعد از عطف یکسان نیست و با هم متفاوت اند. در بند ۱ قانون گذار بین دو واژه استفاده با واژه افشاء و انتشار از حرف عطف (یا) استفاده کرده است و به نظر می رسد از واژه استفاده ماعدای انتشار و افشاء را اراده کرده است و افشاء و انتشار را از مصادیق استفاده ندانسته است. التفصیل قاطع الشرکه معنای این قاعده این است که وقتی قانون گذار بین چند عبارت یا واژه تفصیل قائل می شود به این معنا است که از هر یک معنای جداگانه اراده کرده است. با عنایت به بند ۱ ماده ۴۶ و بند دوم، فصل کردن میان واژگان خود دال بر این است که قانون گذار از هر یک از آنها معنای جداگانه ای را افاده کرده است. مثال عینی این امر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ماده «۱۵۶»^۱ است که قانون گذار از دو واژه عرض و ناموس استفاده کرده و این امر نشانگر این است که هر یک از این واژگان معنایی جدا از واژه دیگر دارند و عرض و ناموس به یک معنا به کار نمی روند و تابع قاعده عدم ترادف هستند. عده ای نیز با این استدلال مخالفت می ورزند و معتقدند که رفتارهای تشکیل دهنده این جرم از دو دسته خارج نیست: گاه شخصی که اطلاعات را در اختیار دارد، آنها را به دیگران منتقل می کند و یا موجبات افشای آنها را به نوعی فراهم می نماید. گاه نیز فرد بدون این که این

۱- هر گاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هر گونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی شود...

اطلاعات را به کسی منتقل کند، خود شخصا از آنها برای انجام معامله غیرقانونی استفاده می کند یا از انجام معامله توسط دیگری که بر اساس این اطلاعات صورت می گیرد، جلوگیری نمی کند (احمدپور و رسایان، ۱۳۸۵، ۴۸). این گروه معتقدند که غایت استفاده از اطلاعات نهانی در بند ۱، معامله بر اساس این اطلاعات توسط فردی که اطلاعات بر حسب وظیفه در اختیارش قرار گرفته یا فرد دیگری به توصیه او می باشد و این معامله مصداق یک معامله تجاری است، اما در بند ۲ آنچه مورد معامله قرار می گیرد، خود اوراق بهادار می باشد به دیگر سخن در بند ۱ معامله انجام شده بر اساس اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار می باشد و حال آن که در بند ۲ معامله انجام شده بر خود اوراق بهادار بوده و معاملاتی که ممکن است بر اساس اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار صورت گیرد، مورد نظر نبوده است. این گروه معتقدند عنصر مادی این جرم زمانی شکل می گیرد که فرد به دلیل آگاهی از این اطلاعات اقدامات خاصی نماید به گونه ای که اگر این اطلاعات را نداشت هرگز اقدام به انجام چنین اعمالی نمی نمود به عنوان مثال قبلا که فرد مطلع اطلاعات نهانی شرکت الف را نمی دانست، نسبت به معامله سهام آن بی اعتنا بود اما اکنون به واسطه آگاهی از این اطلاعات پی برده که قیمت این سهام در آینده نزدیک افزایش چشمگیر خواهد یافت، در نتیجه اقدام به خرید تعداد زیادی از این سهام می کند. مفهوم به کارگیری یا استفاده یعنی این که اطلاعات از حالت ایستا خارج شده و برای انجام عملی به کار آید که مصداق اجلی این عمل، انجام معامله است ولی در معنای وسیع، منظور سوء استفاده یا استفاده شخصی از این اطلاعات است.

این نوع به کارگیری اطلاعات نهانی است که اعتبار بازار اوراق بهادار را مورد لطمه قرار می دهد و سبب کسب منفعت شخصی برای تعداد معدودی از افراد می شود. این گروه معتقدند که پد افرادی که اطلاعات بر حسب وظیفه در اختیارشان قرار گرفته، یک ید امانی است از این رو هر بهره برداری از اطلاعات حتی اندک مصداق استفاده از اطلاعات نهانی محسوب می شود از این رو معامله متکی بر اطلاعات به طور قطع در شمول این مصادیق قرار می گیرد و تنها مواردی از شمول این گستره عام خارج می شوند که در موارد مقرر قانونی استفاده صورت گرفته باشد که نمونه ای از آنان بازارگردانان می باشند. بازارگردانان افرادی هستند که وظیفه تنظیم بازار اوراق بهادار را بر عهده داشته و از نوسانات شدید قیمت جلوگیری می کنند، بدین نحو که وقتی عرضه یک نوع ورقه بهادار خاص بیشتر از تقاضای آن باشد، آنها نقش فروشنده را عهده دار می شوند این افراد هم به قدرت نقدشوندگی اوراق بهادار کمک می کنند و هم باعث پیوستگی قیمت ها شده، به طوری که قیمت یک ورقه بهادار خاص بین دو معامله پیاپی تغییر چندانی نکند. اقدامات بازارگردان به بازار عمق می بخشد به طوری که اشخاص می توانند بدون ایجاد تغییر

فاحش در قیمت یک ورقه بهادار خاص، مقدار زیادی از آن را معامله کنند. این افراد با هدف برقراری توازن و با حسن نیت کامل به انجام معاملات می پردازند و از نوسان قیمت جلوگیری می کنند. با عنایت به هر دو نظر فوق، به نظر می رسد استدلالات نظر اول از قوت بیشتری برخوردار است و آن نظر به واقع نزدیکتر است.

پس از بیان رفتار لازم برای تحقق این جرم و جداسازی آن از معامله و افشای اطلاعات نوبت به بیان سایر اوضاع و احوال برای تحقق این جرم می رسد. اولین شرط برای تحقق اوضاع و احوال این جرم این است که اطلاعات نهانی باید مربوط به اوراق بهادار موضوع این قانون باشد. به استناد بند ۲۴ ماده ۱ قانون مذکور منظور از اوراق بهادار هر نوع ورقه یا مستندی است که متضمن حقوق مالی قابل نقل و انتقال برای مالک عین و یا منفعت آن باشد. به موجب همین بند گاهی به اوراق بهادار، ابزار مالی هم اطلاق می شود. دومین شرط این است که مرتکب باید بر حسب وظیفه اطلاعات در اختیارش باشد بنابراین اگر کسی بدون این که مسئولیت یا وظیفه ای در یک شرکت تجاری داشته باشد، اطلاعاتی را قبل از این که در اختیار عموم قرار بگیرد به دست آورد و بر مبنای این اطلاعات به ترتیب یاد شده در این بند اقدام کند، مشمول این بند نیست. سومین شرط این است که استفاده قبل از انتشار عمومی صورت گیرد چرا که در صورتی که اطلاعات برای عموم افشاء شده باشد، دیگر نهانی محسوب نمی شوند و استفاده از آنها، استفاده از اطلاعات نهانی قلمداد نمی شود. چهارمین شرط این است که استفاده از اطلاعات قابلیت نفع رسانی برای فرد یا کسانی که فرد از طرف آنها نمایندگی دارد و ضرررسانی به دیگران را داشته باشد.

۱-۲- اوضاع و احوال حاکم بر جرم استفاده از اطلاعات نهانی

الف- نهانی بودن اطلاعات مورد استفاده: اطلاعات مهم ترین دارایی در بازار سرمایه است چرا که مبنای اصلی تصمیم گیری در بورس و کنترل ریسک در این بازار است (Black, 2004, 11). اکثر قواعد و مقررات بورسی در کشورهای مختلف به تأسی از این دیدگاه، شرکت هایی که سهام شان را در بورس خرید و فروش می کنند مکلف کرده اند تا اطلاعات مالی و عملکرد خود را به صورت مستمر و یکسان در اختیار همه سرمایه گذاران قرار دهند تا سرمایه گذاران بر اساس این اطلاعات بتوانند در مورد معامله سهام خود و یا حفظ سهام خود تصمیم گیری کنند و از پذیرا شدن ریسک عمده و قابل توجه در معاملات خود اجتناب کنند (Easterbrook, 1991, 17).

ایران نیز از این غافله عقب نماند و در حوزه بازار، از مدل تئوریک مبتنی بر اطلاعات پیروی کرد. اگر بخواهیم سیر تاریخی این تبعیت را نشان دهیم باید بگوییم که برای نخستین بار دستورالعمل اجرایی

افشای اطلاعات شرکت های ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۶/۰۵/۰۳ معامله اوراق بهادار با استفاده از اطلاعات محرمانه شرکت را مورد توجه و شناسایی قرار داد. در آیین نامه مذکور بدون این که از اطلاعات محرمانه تعریفی ارائه شود، اطلاعات مزبور صرفاً با قید «اطلاعات موثر بر قیمت سهام» معرفی شده بود و به لحاظ اطلاق عبارت «اطلاعات موثر بر قیمت سهام» هر گونه تأثیر ولو اندک مشمول این مقرره بود. پس از آن در بخشنامه افشای فوری اطلاعات مصوب ۱۳۸۰/۰۳/۲۵ سازمان بورس اوراق بهادار از «اطلاعات مهم»^۱ تعریفی ارائه گردید که تا حد زیادی به مفهوم «اطلاعات محرمانه» نزدیک بود. در این تعریف نیز بر اطلاعات موثر بر قیمت سهام تکیه شده است، النهایه بر خلاف دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت های ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۶/۰۵/۰۳ در این ماده «هر گونه اطلاعات موثر بر قیمت» مورد توجه قرار نگرفته بود بلکه «اطلاعاتی که تاثیر قابل ملاحظه در قیمت اوراق بهادار داشت» مورد توجه قرار گرفته بود در نهایت با تصویب قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۴ برای نخستین بار تعریفی از اطلاعات نهانی در قالب یک ماده قانونی ارائه شد. مطابق این تعریف که در بند ۳۲ ماده ۱ این قانون آمده «اطلاعات نهانی هر گونه اطلاعات افشاء نشده برای عموم که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به اوراق بهادار، معاملات یا ناشر آن مربوط می شود در صورت انتشار بر قیمت و یا تصمیم سرمایه گذاران برای معامله اوراق بهادار مربوط تأثیر می گذارد.» با تدقیق در این سیر مشاهده می شود که قانون گذار بر اطلاعات نهانی تأکید ویژه ای دارد. استفاده از این اطلاعات به نحو ناعادلانه باعث می شود توازن بازار سرمایه به هم بخورد و برخی از این طریق به سودهای کلانی دست یابند از این رو قانون گذار در بند ۱ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ استفاده ناعادلانه و خارج از مجرای قانون از این اطلاعات را جرم محسوب نمود و برای آن مجازات تعیین کرد. در این ماده اطلاعات نهانی ارزش مورد حمایت قانون گذار قلمداد می گردند و جرم علیه آنها به وقوع می پیوندد به عبارت دیگر این اطلاعات موضوع جرم هستند.

ب- اطلاعات بر حسب وظیفه به فرد سپرده شده باشد: از لحاظ اصطلاحی دارندگان اطلاعات نهانی کسانی هستند که به دلیل برخورداری از موقعیت های ویژه بیش و پیش از دیگران به اطلاعات کلیدی و

۱- اطلاعات مهم، به هر گونه اطلاعات مرتبط با فعالیت شرکت (تولیدی، تجاری، خدماتی و...) یا وضعیت شرکت (ادغام، تغییر در ترکیب سهامداران عمده، پذیرش سرمایه گذاری خارجی و...) که منجر و یا به صورت قابل توجهی انتظار رود که منجر به تغییر قابل ملاحظه در قیمت سهام و یا ارزش هر یک از اوراق بهادار صادره توسط شرکت پذیرفته شده در بورس شود، اطلاق می گردد.

تاثیرگذار بر قیمت های اوراق بهادار دسترسی دارند (Goulding, 1996, 49). این دسته از اشخاص بنا بر خواست قانون گذار حق بهره مندی از این اطلاعات را به ضرر دیگران یا به نفع خود قبل از انتشار عمومی و یا موجبات افشاء و انتشار آنها را در غیر از موارد مقرر فراهم کرده و همچنین معامله مبتنی بر این اطلاعات را ندارند (Morsegeoffery, 1996, 53). این اشخاص به طور صریح در تبصره ۱ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ مورد اشاره قرار گرفته اند. مطابق ماده ۱۷ دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت های ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۶/۰۵/۰۳: «به منظور جلوگیری از انتشار اطلاعات افشاء نشده موضوع ماده ۱۶ ناشر ملزم به رعایت موارد زیر است: الف- دسترسی به اطلاعات مزبور محدود به مدیران و کارکنان ذی صلاح می باشد و این اطلاعات صرفاً در رابطه با وظایف و مسئولیت اشخاص در اختیار آنها قرار گیرد. ب- در صورتی که لازم باشد اطلاعات مزبور در اختیار کارکنان، وکلا، حسابداران، حسابرسان، مشاوران مالی ناشر یا سایر اشخاص ذی صلاح قرار گیرد، نهانی بودن این اطلاعات و ممنوعیت استفاده شخصی از آن در دادوستد متکی بر اطلاعات نهانی به آنها تاکید می شود.» در تبصره همین ماده آمده: «اشخاص مذکور در این ماده جزء مصادیق اشخاص دارنده اطلاعات نهانی موضوع تبصره ۱ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار مصوب آذر ماه ۱۳۸۴ محسوب می شوند.» در این ماده دسترسی به اطلاعات نهانی محدود به مدیران و کارکنان ذیصلاح شده و این اطلاعات تنها در رابطه با وظایف و مسئولیت این اشخاص در دسترس شان قرار می گیرد حال اگر بنا باشد که این اطلاعات در اختیار سایر کارکنان به جز کارکنان مندرج در تبصره «۱»^۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴، وکلا، حسابداران، حسابرسان، مشاوران مالی ناشر یا سایر اشخاص ذیصلاح قرار گیرد باید نهانی بودن این اطلاعات و ممنوعیت استفاده شخصی از آنها در دادوستد متکی بر اطلاعات مورد تاکید قرار گیرد. در این ماده و ماده پیش قانون گذار به ذکر اشخاص دارنده اطلاعات نهانی پرداخته است. در بند «الف»^۲ تبصره ۱ ماده ۴۶ نیز قانون گذار به صراحت نسبت به جرم

۱- اشخاص زیر به عنوان اشخاص دارای اطلاعات نهانی شرکت شناخته می شوند: الف- مدیران شرکت شامل اعضای هیأت مدیره، هیأت عامل، مدیرعامل و معاونان آنان. ب- بازرسان، مشاوران، حسابداران، حسابرسان و وکلای شرکت. ج- سهامدارانی که به تنهایی و یا به همراه افراد تحت تکفل خود، بیش از ده درصد سهام شرکت را در اختیار دارند یا نمایندگان آنان. د- مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره و مدیران ذی ربط یا نمایندگان شرکت های مادر (هلدینگ) که مالک حداقل ده درصد سهام یا دارای حداقل یک عضو در هیأت مدیره شرکت سرمایه پذیر باشند. ه- سایر اشخاصی که با توجه به وظایف، اختیارات و یا موقعیت خود به اطلاعات نهانی دسترسی دارند.

۲- مدیران شرکت شامل اعضای هیأت مدیره، هیأت عامل، مدیرعامل و معاونان آنان.

انگاری سوءاستفاده از این اطلاعات اقدام نموده است تا بتواند افراد مشمول بند «ه»^۱ تبصره یک ماده ۴۶ را مجازات نماید زیرا این افراد تنها دسته ای از افراد هستند که اطلاعات بر حسب وظیفه در اختیارشان قرار گرفته است در حالی که سایر افراد مندرج در تبصره تنها تولیدکنندگان و پردازشگران و مالکان اطلاعات هستند.

۱-۳- نتیجه جرم استفاده از اطلاعات نهانی

برای تحقق جرم، هر چند ظهور یک فعل یا ترک فعل همواره شرط است، ولی مجازات این فعل همیشه منوط به نتیجه ای است که بزهکار برای اخذ آن تلاش کرده نیست، بعضی از جرایم قطع نظر از نتیجه زیانبار احتمالی آنها کامل به شمار می آیند، این جرایم را اصطلاحاً جرم مطلق می نامند، در برابر جرم مطلق، جرم مقید قرار دارد. جرم را از این نظر مطلق یا صوری نامیده اند که وصف مجرمانه صرفاً به صورت یا ظاهر رفتار تعلق گرفته و در ترتب مجازات، اخذ نتیجه زیانبار منظور نشده است. در بحث استفاده از اطلاعات نهانی گروهی بر این اعتقادند که با توجه به مجازات پیش بینی شده در صدر ماده «سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده یا زیان متحمل نشده» به نظر می رسد که این جرم مقید به نتیجه است. این گروه معتقدند در صورتی که صرف تحقق رفتار مادی برای تحقق جرم کفایت می کرد دیگر لزومی به ذکر «سود به دست آمده یا زیان متحمل نشده نبود»، اما این استدلال دارای خدشه است زیرا در اینجا قانون گذار با در نظر گرفتن ضرورت های جرم انگاری و فلسفه مجازات، این مجازات را مقرر داشته و غرض اش این بوده که در جایی که سودی تحصیل می شود یا در جایی که به طور قطع از زیانی جلوگیری می شود به این مجازات فرد را محکوم می کند نه این که بگوید لزوماً در عالم واقع باید سودی عاید یا از زیانی جلوگیری شده باشد و در صورتی که در عالم واقع سودی عاید یا از زیانی جلوگیری نشده باشد، حبس ملاک عمل قرار می گیرد. اما گروهی بر این اعتقادند که این جرم مطلق است و صرف تحقق رفتار مادی برای ارتکاب جرم کفایت می کند (Alexander, 2001, 98). دلیل آنها بر این مدعا این است که این جرم از زمره جرایم مانع محسوب می شود که قانون گذار برای جلوگیری از رفتارهای پسینی دست به جرم انگاری آن نموده تا بتواند در راستای این اقدام، نظم بازار سرمایه را حفظ کند و از سرمایه داران حمایت کند. از جمله رفتارهای پسینی می توان به معامله متکی بر این اطلاعات اشاره کرد. با عنایت به مستندات هر دو گروه به نظر می

۱- سایر اشخاصی که با توجه به وظایف، اختیارات و یا موقعیت خود به اطلاعات نهانی دسترسی دارند.

رسد، استدلال‌های گروه دوم به واقع نزدیکتر است و این جرم، جرمی مطلق است و قانون‌گذار تنها به دلیل مراعات نمودن ضرورت‌های جرم‌انگاری و اصل حسابگری کیفری به ذکر صریح کیفر در صدر ماده مبادرت کرده است.

۲- عنصر روانی استفاده از اطلاعات نهانی

برای تحقق جرم، نقض اوامر و نواهی قانون‌گذار به تنهایی کافی نیست. فعل یا ترک فعل مجرمانه باید نتیجه خواست و اراده فاعل باشد به عبارت دیگر باید رابطه روانی و ذهنی خاص بین فاعل و جرم برقرار شود تا بتوان مرتکب را مقصر دانست (roger and gaylord, 2004, 42). قانون‌گذار در ماده «۱۴۴»^۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به صراحت به این امر اشاره کرده است. پس از بیان این توضیحات به بررسی وضعیت عنصر روانی در استفاده از اطلاعات نهانی می‌پردازیم. برخی بر این اعتقادند که این جرم، یک جرم مادی صرف است به این معنی که این جرایم برای تحقق نیاز به اثبات رکن روانی ندارند و صرفاً با نقض قانون به انجام می‌رسند. این گروه معتقدند که اکثر مرتکبان بند ۱ اشخاصی هستند که به عنوان دارندگان اطلاعات نهانی تبصره ۱ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ شناخته شده‌اند. دلیل احصاء کردن این افراد در این تبصره این امر بوده که آنها عالم به نهانی بودن اطلاعات فرض می‌شوند و به عنوان مرتکبان بند ۱ شناخته می‌شوند و از سویی دیگر چون جرم موضوع این ماده از زمره جرایم اقتصادی است، شبیه دیگر جرایم اقتصادی، مادی صرف محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد این استدلال از چند جنبه به واقع نزدیک نیست: نخست مرتکبان این ماده به اشخاص موضوع این تبصره، محدود نیستند. چرا که در بند ۱ صحبت از اشخاصی است که بر حسب وظیفه به اطلاعات دسترسی پیدا کردند و تنها این دسته از افراد را به عنوان مرتکبان جرم به رسمیت شناخته است نه افرادی که به هر دلیلی دارنده اطلاعات شده‌اند شبیه افراد مندرج در بند (الف و ج) تبصره ۱ که به خاطر مالکیت یا افراد مندرج در بند (و) که به خاطر پردازشگری، به اطلاعات دست یافته‌اند. ثانیاً جرم استفاده از اطلاعات نهانی، جرم اقتصادی محسوب نمی‌شود چرا که جرم اقتصادی دارای فاکتورهای بی شماری است که مهم‌ترین فاکتور آن این است که رفتار مجرمانه در سطح کلان مغایر با سیاست‌های اقتصادی و یا امنیت اقتصادی باشد و نظم یا امنیت اقتصادی را به چالش بکشد، در حالی

۱- در تحقق جرائم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، باید قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه احراز گردد. در جرائمی که وقوع آنها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.

که به نظر می‌رسد این جرم نمی‌تواند در سطح کلان این آثار را داشته باشد از این رو اقتصادی محسوب کردن این جرم بدون توجه به ضابطه اصلی جرایم اقتصادی با منطبق حقوقی سازگار نیست.

گروه دیگر اعتقاد دارند که جرم استفاده از اطلاعات نهانی شبیه به سایر رفتارهای مجرمانه، جرمی است عمدی که نیازی به سؤنیت عام و خاص توامان دارد. در این جرم، مرتکب با علم به ماهیت غیرقانونی عمل اش و با علم به نهانی بودن اطلاعات به استفاده از اطلاعات می‌پردازد و عامدانه و عالمانه اطلاعات نهانی را به دیگری انتقال می‌دهد یا آن اطلاعات را در دسترس فرد دیگری قرار می‌دهد. از سویی این جرم دارای سؤنیت خاص می‌باشد و آن «قصد ورود ضرر یا بردن نفع» است. این سؤنیت را قانون‌گذار در خود بند ۱ مقرر داشته و در صورتی که مرتکب قصد تحصیل سود یا اجتناب از ضرر را نداشته باشد، این جرم محقق نمی‌شود. این نظر دارای یک ایراد اساسی است و آن این است که عبارت «به ضرر دیگران یا به نفع خود یا به نفع اشخاصی که از طرف آنها نمایندگی دارد» سؤنیت خاص نیست، زیرا قانون‌گذار همواره برای بیان سؤنیت خاص از عبارات و الفاظ مخصوص به خود همانند به قصد، به منظور و ... استفاده می‌کند پس این عبارت سؤنیت خاص نیست. گروه سوم معتقدند که برای محقق شدن جرم موضوع این مقرر، مرتکب باید با علم به این که اطلاعات نهانی هستند و توأم با اراده، نسبت به استفاده از آنها اقدام کرده باشد. این گروه معتقدند که صرف علم به نهانی بودن اطلاعات و علم به نقض ممنوعیت قانونی از سوی مرتکب برای ارتکاب این جرم کفایت می‌کند و نیازی به احراز سؤنیت خاص نیست. به نظر می‌رسد قوت استدلال گروه سوم با منطوق و مفهوم ماده سازگارتر است اما هنوز دو شبهه وجود دارد نخست این که آیا کسی که رکن مادی استفاده از اطلاعات نهانی را انجام می‌دهد لازم است که به تمامی اوصاف اطلاعات نهانی علم تفصیلی داشته باشد یا این که این امر ضرورت ندارد و صرف داشتن علم اجمالی نسبت به برخی از اوصاف اطلاعات نهانی نیز کفایت می‌کند؟ شبهه دوم این است که عنصر روانی این جرم چگونه احراز می‌شود به عبارت دیگر چگونه می‌توان یقین حاصل کرد که فاعل جرم نسبت به نقض حکم قانون‌گذار مصمم بوده است؟ آیا فرضی یا اماره ای در این مورد برای احراز وجود دارد یا قاضی باید با تکیه بر شواهد و اوضاع و احوال و قراین، مقارنت و مطابقت قصد او را با واقعه مجرمانه احراز کند؟ در پاسخ به سؤال اول گروهی معتقدند که صرف علم اجمالی کفایت می‌کند و لازم نیست که فرد مرتکب به جز جزء اتفاقاتی که در یک شرکت روی داده است، علم داشته باشد. علم اجمالی فرد به وصف اساسی اطلاعات نهانی، کفایت می‌کند که این علم به وسیله قراین، امارات و اوضاع و احوال قابل اثبات است. صرف این امر که مرتکب بداند که اخبار و اطلاعات خوبی در شرکت وجود دارد که این اخبار تنها به موجب وظیفه در اختیار فرد قرار گرفته‌اند، کفایت می‌کند.

در واقع هدف از قانون بازار این است که فرد با ارائه کردن اطلاعات با ارزش که بر حسب وظیفه به آنها دست یافته است، نظم و امنیت بازار سرمایه را بر هم نزند و به سودهای هنگفت دست نیابد (Nyatung, 2008, 55). با توجه به بند «۳۲»^۱ ماده ۱ می توان گفت که اطلاعات نهانی یک مقوم دارد که آن مقوم این است که فرد اجمالا بداند اطلاعات برای عموم افشاء نشده است حال احراز این امر که آیا اطلاعات در صورت انتشار بر قیمت تأثیرگذار است یا این که مربوط به اوراق بهادار است یا به معاملات یا ناشر باز می گردد، بر عهده قاضی است. همین اندازه که برای قاضی محرز شود که فرد از یک رانت اطلاعاتی استفاده نموده کفایت می کند. قاضی این مهم را با توجه به اوصاف مرتکب من جمله اطلاعات بر حسب وظیفه در اختیارش قرار گیرد و اثبات و احراز می کند.

۳- عنصر قانونی استفاده از اطلاعات نهانی

قانون گذار در بند «۱»^۲ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ به جرم استفاده از اطلاعات نهانی پرداخته و به تمامی شرایط لازم برای محقق شدن این جرم اشاره کرده است. در ماده «۱۰»^۳ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸ نیز قانون گذار مقررات فصل ششم قانون بازار را به بورس کالا نیز تسری داده است.

۱- اطلاعات نهانی: هر گونه اطلاعات افشاء نشده برای عموم که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به اوراق بهادار، معاملات یا ناشر آن مربوط می شود و در صورت انتشار بر قیمت و یا تصمیم سرمایه گذاران برای معامله اوراق بهادار مربوط تأثیر می گذارد.

۲- اشخاص زیر به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده یا زیان متحمل نشده یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد: ۱- هر شخصی که اطلاعات نهانی مربوط به اوراق بهادار موضوع این قانون را که حسب وظیفه در اختیار وی قرار گرفته به نحوی از انحاء به ضرر دیگران یا به نفع خود یا به نفع اشخاصی که از طرف آنها به هر عنوان نمایندگی داشته باشند، قبل از انتشار عمومی، مورد استفاده قرار دهد و یا موجبات افشاء و انتشار آنها را در غیر موارد مقرر فراهم نماید.

۳- معاملات کالا و اوراق بهادار در بورس های کالایی و کلیه فعالیت های اشخاص در آنها مشمول احکام مندرج در فصل ششم قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران بوده و مرتکبان جرائم مندرج در ذیل فصل مذکور با رعایت ماده (۵۲) همان قانون تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

۴- مجازات استفاده از اطلاعات نهانی

به طور کلی ضمانت اجراهای حقوقی به سه دسته اداری، مدنی و کیفری تقسیم می‌شوند. ضمانت اجرای اداری یعنی مجازاتی که در قبال تخلفات اداری کارمند از طرف مراجع انتظامی سازمان و یا وزارتخانه متبوع، درباره فرد اعمال می‌شود و شکل‌های مختلفی از قبیل توبیخ شفاهی یا کتبی یا اخراج وی از محل کار را شامل می‌شود. ضمانت اجرای مدنی، ضمانت اجرایی است که در مقابل اعمال زاینبار یا نقض تعهدات افراد جامعه نسبت به یکدیگر قابل اعمال است و به شکل مسئولیت مدنی قهری یا قراردادی بروز می‌کند. در نهایت این که ضمانت اجرای کیفری زمانی مطرح می‌شود که یک مقررره کیفری نقض شود و تخلف مهمی از هنجارها و ارزش‌های اساسی جامعه انجام شود که اعمال واکنش اداری یا مدنی کافی باشد در این هنگام، باید عکس‌العمل شدیدتری به شکل اعمال مجازات انجام شود. مجازات دارای اصولی می‌باشد که از جمله مهمترین این اصول می‌توان به اصل تناسب جرم و مجازات اشاره نمود. اصل تناسب جرم و مجازات ریشه در نظریات فلاسفه ای دارد که به سزاوار بودن کیفر معتقدند (Stamp, 1998, 67). این فلاسفه معتقدند مجازات برای اصلاح امتیاز ناعادلانه ای است که مجرم به واسطه ارتکاب جرم تحصیل نموده است، مجازات باید به میزانی باشد که در نهایت منجر به برقراری مجدد توان بزه‌کار و بزه دیده و بازپسگیری آن امتیاز گردد. اگر مجازات بر پایه ارضای حس انتقام باشد، مجازات باید تناسب با بی‌عدالتی احساس شده توسط قربانی جرم باشد و بالاخره با این استدلال که مجازات ابزار و وسیله ای برای سرزنش کردن است، باید مذمت تحمیل شده بر مجرم، میزان سرزنش پذیری رفتار او را منعکس کند.

اصل تناسب دارای کارکردهای بسیاری است. اجرای این اصل مانع سردرگمی اخلاق عمومی، شناور شدن قانون و وهن به آن می‌شود مضاف بر این که اعمال این اصل موجب تقویت حس قانون‌مداری در شهروندان مبنی بر وجود قانون منصفانه می‌شود. رعایت اصل تناسب نشانگر پایبندی قانون‌گذار به مبانی جرم‌انگاری است چرا که یکی از مبانی جرم‌انگاری پاسداری اصل تناسب جرم و مجازات است. کلارکسون معتقد است، هیچ کس برای شکستن فندق از پتک استفاده نمی‌کند و هیچ کس برای جرمی با وخامت اندک، مجازات شدید پیشنهاد نمی‌کند. به همین منظور وی پیشنهاد می‌کند برای سزادهی به صورت عادلانه باید به چند نکته دقت نمود: نخست لزوم توجه به فواید و هزینه‌های کیفرانگاری بسته به فواید و هزینه‌های جرم‌انگاری، لزوم توجه به افکار عمومی و طیف بزه‌دیدگان. منظور از هزینه‌ها و فواید کیفرانگاری بسته به نوع جرم این است که آیا جرم از زمره جرایم مانع است یا

این که از این طیف از جرایم نیست. در صورتی که جرم از زمره جرائم مانع باشد چون هدف مقنن این است که با جرم انگاری یک رفتار از رفتارهای خطرناکتر پسینی جلوگیری کند، کیفر باید به اندازه ای شدید باشد که وجهه بازدارندگی داشته باشد و بتواند مرتکب را از انجام رفتارهای مجرمانه بعدی برحذر دارد. منظور از لزوم توجه به افکار عمومی این است که کیفر چه اثر ظاهری و باطنی دارد. منظور از اثر باطنی کیفر، رنجی است که بزهکار با تحمل مجازات متحمل می شود و منظور از اثر ظاهری کیفر اثر بازدارنده ای است که سایر افراد به اخص بزهکاران بالقوه بعد از تحمل مجازات از سوی بزهکار، حاصل می کنند. منظور از طیف بزه دیدگان این است که به هر اندازه تعداد بزه دیدگان یک جرم بیشتر باشند، میزان ارباب آور بودن و بازدارندگی مجازات نیز بایست بیشتر باشد و هر اندازه تعداد بزه دیدگان کمتر باشند، این اثر باید کمتر باشد. به لحاظ این سه سنج است که مجازات مناسب بر بزهکار تحمیل می شود.

در ادامه به تحلیل این سه معیار بر روی مجازات استفاده از اطلاعات نهانی می پردازیم: مجازات این جرم به استناد صدر ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ عبارت است از «اشخاص زیر به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال یا به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود بدست آمده یا زبان متحمل نشده یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد.» این مجازات با توجه به ماده «۱۹»^۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، درجه هفت و مجازات اصلی است. مجازات اصلی مجازاتی است که قانون گذار به صراحت برای یک رفتار مجرمانه با ذکر در مقرر قانونی در نظر گرفته است این مجازات اغلب جنبه الزام آور دارد و مورد حکم قاضی قرار می گیرد. در مورد این بزه، مجازات تکمیلی اعمال نمی شود چرا که اعمال مجازات تکمیلی به موجب ماده «۲۳»^۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تنها در مورد جرایمی که مستلزم مجازات حد، قصاص یا تعزیر از درجه شش تا یک است، امکان پذیر می باشد. اعمال مجازات تبعی در مورد این جرم نیز امکان پذیر نیست چرا که این مجازات نیز تنها در مورد جرایم

۱- مجازات های تعزیری به هشت درجه تقسیم می شود: ... درجه ۷ - حبس از نود و یک روز تا شش ماه. - جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال تا بیست میلیون ریال. - شلاق از یازده تا سی ضربه. - محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه.
 ۲- دادگاه می تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات های تکمیلی زیر محکوم نماید: ...

عمدی مستلزم مجازات‌های ماده «۲۵»^۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اعمال و اجرا می‌شود و مجازات استفاده از اطلاعات نهانی از این طیف جرایم نیست. از سوی دیگر مجازات مندرج در صدر ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ دو گونه است: جزای نقدی نسبی و حبس. جزای نقدی نسبی این حسن را دارد که متناسب با میزان سودی که عاید بزهکار می‌شود و نرخ تورم، قابلیت تغییر و نوسان دارد و ایستا نیست (نادران و رضایی، ۱۳۹۰، ۸۹). برای محاسبه جزای نقدی قانون گذار در این ماده سود حاصله را ملاک قرار داده است. سود در اصطلاح علم اقتصاد، برابر با تفاوت درآمد و هزینه است، یعنی مازاد درآمد کسب شده بر هزینه‌های واقع شده را می‌سنجیم و تفاضل این دو را سود محسوب می‌کنیم (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۱۸). گروهی مضاف بر این ملاک، افزایش دارایی را نیز سود محسوب می‌کنند و معتقدند افزایش دارایی در زمانی که دارایی به فروش برسد یا شرکت منحل شود سود محسوب می‌گردد. در این ماده سود حاصله اهمیت دارد و مادامی که دارایی به فروش برسد و سودی فعلیت نیابد، صرف افزایش دارایی سود محسوب نمی‌شود. حبس مندرج در این ماده سه ماه تا یک سال است. این میزان نیز با توجه به مانع بودن بزه استفاده از اطلاعات نهانی اندک است. افکار عمومی نیز این مجازات را متناسب با بزه صورت گرفته نمی‌داند چرا که افرادی که مرتکب این بزه شده‌اند، افرادی هستند که بر حسب وظیفه به اطلاعات دست یافته‌اند و از اعتماد مالکان اصلی اطلاعات که فی الواقع سهامداران هستند سوءاستفاده نموده و با ارائه کردن اطلاعات به طیف خاصی از افراد، اعتماد و امنیت در بازار سرمایه که دو رکن کلیدی برای سهامداران است را، مخدوش نموده‌اند (بشیری و پوررحیم، ۱۳۹۰، ۱۳). به نظر می‌رسد کیفر پیش بینی شده در این ماده نه تنها استحقاق سزای بزهکار را ندارد بلکه فرد را از کلیه ارفاقات پیش بینی شده در قانون مجازات اسلامی از جمله تعویق، تعلیق، تخفیف و... با محقق شدن شرایط بهره‌مند می‌کند از این رو هم به لحاظ کمیت و هم کیفیت متناسب با جرم مطروحه نمی‌باشد و نیاز به بازبینی اساسی دارد.

۵- شروع به جرم استفاده از اطلاعات نهانی

اگر برای فعالیت مجرمانه همانند مسیری که بزهکار در آن گام می‌گذارد و قدم به قدم در آن پیش می‌رود آغاز و پایانی تصور کنیم، می‌توانیم مراحل مختلفی را در این مسیر از یکدیگر باز شناسیم. جرم

۱- محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی، پس از اجرای حکم یا شمول مرور زمان، در مدت زمان مقرر در این ماده محکوم را از حقوق اجتماعی به عنوان مجازات تبعی محروم می‌کند: ...

با اندیشه و تصور ذهنی آغاز می‌شود سپس با تصمیم بر ارتکاب، تهیه مقدمات و شروع به آن تکوین می‌یابد و سرانجام در این مرحله اگر عایق یا مانعی حاصل نشود، جرم تام محقق می‌شود. حکم این امر در ماده «۱۲۲»^۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی شده است. در جرم استفاده از اطلاعات نهانی، قانون گذار بازار سرمایه از یک سو به خاطر جلوگیری از رفتارهای پسینی و سایر رفتارهای زیانبار اقدام به جرم انگاری رفتار استفاده نموده است. از جمله رفتارهای زیانبار می‌توان به معامله متکی بر این اطلاعات اشاره کرد که موضوع این رفتار اطلاعات نهانی است به عبارت دیگر قانون گذار با جرم انگاری نمودن استفاده از این اطلاعات قصد دارد به صاحبان حرف اجازه ندهد با استفاده از این رانت اطلاعاتی به خرید و فروش، معامله یا سایر اقدامات سودرسان اقدام کنند(پرستش، ۲۰، ۱۳۸۷).

به عبارت دیگر قانون گذار خود استفاده از اطلاعات نهانی را برای رفتارهایی مانند معامله در حکم شروع می‌داند و از سوی دیگر این جرم، جرمی مطلق است و نیاز به حصول نتیجه ندارد و صرف این که فردی یکی از مصادیق رفتاری استفاده از اطلاعات نهانی را انجام دهد مانند این که اطلاعات نهانی را به دیگران توصیه کند، جرم را تحقق یافته می‌داند. با این اوصاف توجه به این نکته نیز مهم است که این امر نافی فرض شروع به جرم برای این جرم نیست به عنوان مثال شخص الف می‌خواهد با علم به این که همکارش قصد انجام معامله سهام را دارد، اطلاعات نهانی مربوط به آن سهم را در کشوی میزش بگذارد که ناگهان شخص ب به درون اتاق می‌آید و متوجه اقدام او می‌شود و آن فرد از گذاشتن اطلاعات باز می‌ماند، در این فرض شخص الف در صورت نرسیدن شخص ب به اتاق، اقدام خود را به طور تام انجام می‌داد اما با دیدن او این اقدام ناقص ماند و در مرحله شروع به جرم متوقف گردید. وارد شدن شخص ب در اتاق به سان یک عایق یا مانع خارجی الف را از وقوع جرم منصرف کرد. در این مثال اقدام شخص الف مصداق اجلی شروع به استفاده از اطلاعات نهانی است. در ادامه به بررسی این مثال می‌پردازیم اگر شخص الف، اطلاعاتی را به تصور آن که نهانی هستند به همکار خود شخص ب دهد ولی بعداً متوجه شود که آن اطلاعات نهانی نبودند یا فردی اطلاعاتی که نهانی هستند را بر روی میز همکارش می‌گذارد تا او به آنها دست یابد اما در همین لحظه آبدارچی اداره پیش از همکار سر می‌رسد و به گمان آن که

۱- هر کس قصد ارتکاب جرمی کرده و شروع به اجرای آن نماید، لکن به واسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند، به شرح زیر مجازات می‌شود: الف- در جرائمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار. ب- در جرائمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو یا حبس تعزیری درجه چهار است به حبس تعزیری درجه پنج. پ- در جرائمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج است به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش.

این اطلاعات کاغذ باطله ای بیش نیست آنها را به درون سطل زباله می اندازد، در مثال اول یک جرم محال موضوعی اتفاق افتاده، در اینجا اساساً موضوع جرم وجود خارجی ندارد ولی فرد به موجب تبصره ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم می شود و عمل اش در حکم شروع به جرم است. اما در مثال دوم، فرد مسیر مجرمانه را تا به انتها طی نمود و تنها اگر اندکی احتیاط می نمود، همکارش پیش از این که آبدارچی اطلاعات را دور اندازد، به اطلاعات دست می یافت و جرم عقیم نمی ماند. قانون گذار در مورد جرم عقیم تعیین تکلیف ننموده و اقدام این فرد مصداق شروع به جرم است، چون فرد مسیر مجرمانه را تا به انتها طی کرده بود و نه جرم محال است چون اطلاعات فی الواقع نهانی بود و هیچ جهت مادی وجود نداشت که مرتکب از آنها بی اطلاع باشد، از این رو عمل اش مصداق تبصره مذکور نیز نمی باشد.

پس از بیان حکم ماهوی شروع به جرم در بزه استفاده از اطلاعات نهانی، نوبت به مجازات این پدیده می رسد. مجازات شروع به جرم بر طبق ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ثابت نیست، بلکه بین حداکثر و حداقل در نوسان است و ظاهراً ارتباطی با مجازات جرم تام که مقصود مرتکب بوده است، ندارد. مجازات بزه استفاده از اطلاعات نهانی حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی معادل ۲ تا ۵ برابر سود به دست آمده یا زیان متحمل نشده یا هر دو مجازات است و مصداق هیچ یک از مجازات های مندرج در بندهای الف، ب و پ ماده ۱۲۲ مذکور نیست به همین خاطر باید گفت هر چند امکان پذیرش فرض شروع به جرم استفاده از اطلاعات نهانی به لحاظ ماهوی متصور است اما چون مجازات مندرج در این ماده با هیچ یک از مجازات های مندرج در ماده ۱۲۲ همخوانی و تطبیق ندارد، این امکان در نظام تقنینی از بین می رود مگر آن که قانون گذار بازار سرمایه در جهت هم سوئی با ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مجازات مندرج در این ماده را تغییر دهد. در فرض تصور جرم محال نیز برای بزه استفاده از اطلاعات نهانی نیز امکان اعمال تبصره^۱ ماده ۱۲۲ وجود ندارد چرا که در این تبصره قانون گذار جرم محال را در حکم شروع به جرم می داند و آثار شروع به جرم را به جرم محال نیز تسری می دهد که یکی از این آثار مجازات است که به دلیل پیش گفته در مورد این فرض نیز ساری و جاری نمی شود.

۱- هر گاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته، لکن به جهت مادی که مرتکب از آنها بی اطلاع بوده وقوع جرم غیرممکن باشد، اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است.

۶- معاونت در جرم استفاده از اطلاعات نهانی

در تمام نظام های حقوقی غیر از مباشر جرم کسانی که در ارتکاب عمل مجرمانه به او مساعدت و کمک می نماید نیز قابل مجازات می باشند از جمله این افراد می توان به معاون اشاره کرد. معاون جرم کسی است که بدون آن که شخصاً به اجرای جرم منتسب به مباشر بپردازد، با رفتار خود عالماً وقوع جرم را تسهیل کند و یا مباشر را به ارتکاب آن بر انگیزد. در ادامه به صورت مختلف معاونت در بزه های مربوط به اطلاعات نهانی می پردازیم: اگر فرد الف اطلاعات نهانی را برای معامله اوراق بهادار در اختیار فرد ب قرار دهد، بسته به تصمیم فرد ب دو حالت متصور است: یا فرد ب معامله متکی بر اطلاعات نهانی را انجام می دهد که در این صورت فرد الف به خاطر تسهیل وقوع جرم و وحدت قصد با فرد ب، به عنوان معاون شناخته می شود و یا این که اساساً فرد ب از انجام معامله خودداری می کند و در این صورت هر چند فرد ب مرتکب جرمی شده است، ولی اگر فرد الف با علم بر این که اطلاعات نهانی است و بر حسب وظیفه به آنها دسترسی دارد، آنها را در اختیار فرد ب قرار دهد، این فرد مرتکب جرم استفاده از اطلاعات نهانی است. فرض دیگری که در اینجا مطرح می شود، این است که اگر فرد الف اطلاعات نهانی که بر حسب وظیفه در اختیارش قرار گرفته به فرد ب بدهد و ب مرتکب جرم معامله متکی بر اطلاعات نهانی شود البته نه بر اساس اطلاعاتی که الف به او داده بلکه بر اساس اطلاعات دیگری، در این صورت اقدام الف معاونت در جرم شخص ب تلقی نمی شود چرا که شخص الف هر چند تصور داشت با ارائه کردن اطلاعات منجر به تسهیل کار شخص ب شود، ولی چون شخص ب از اطلاعات استفاده نکرد و اطلاعات او تأثیری در کار شخص ب نداشت، او را نمی توان معاون دانست با این حال به نظر می رسد چون شخص الف کلیه شروط تحقق جرم موضوع بند ۱ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ را داشت، به استفاده از اطلاعات نهانی محکوم می شود. فرض دیگر که مطرح می شود این است که اگر شخص الف، شخص ب را تحریک کند که با سوءاستفاده از اطلاعات نهانی که در دست دارد، به انجام معامله متکی بر این اطلاعات مبادرت ورزد و سود حاصل را بین خودشان تقسیم کنند، شخص ب پس از بازگشت از ملاقات با شخص الف تصمیم می گیرد که از این اطلاعات جهت دستکاری در بازار و تغییر در قیمت سوءاستفاده کند، بدون این که از این طریق معامله ای انجام دهد و سودی به دست آورد، آیا می توان شخص الف را معاون در ارتکاب جرم دستکاری در بازار دانست، در این مورد آراء مختلفی وجود دارد.

گروهی معتقدند هر چند جرمی که شخص ب مرتکب شده است جرمی نبوده که در مورد آن با شخص الف توافق کرده و به دو دلیل می توان شخص الف را معاون دانست: اول جرم ارتكابی شخص ب در اثر تحریک غیرمستقیم شخص الف بوده است، به این معنی که شخص اخیر در یک جلسه سری شخص ب را نسبت به انجام معامله ای بر اساس اطلاعات نهانی موجود و در نتیجه به دست آوردن سود هنگفت تحریک نموده و در واقع ایده سودجویی را در او تقویت و حس منفعت طلبی را در او تحریک کرده است، سرانجام شخص ب مناسب دیده است، سود موردنظر را از طریق دیگری به دست آورد و تغییر در طریق، هیچ خللی در عمل او به وجود نمی آورد (قاسمی حامد و نوروزی، ۴۰، ۱۳۹۰). ثانیاً همین مقدار از عمل شخص الف را حتی اگر نوعی تحریک ندانیم می توانیم تحت عنوان «ارائه طریق ارتكاب جرم» نوعی معاونت و قابل تعقیب بدانیم. گروه دوم اعتقاد دارند که اقدام فرد الف معاونت نیست چرا که شخص الف، شخص ب را تحریک نمود که از اطلاعات نهانی که نزد اوست در جهت معامله استفاده کند و سود حاصل را بین خودشان تقسیم کنند ولی شخص ب مبادرت به دستکاری نمود، در این مورد شخص الف با شخص ب برای ارتكاب جرم معامله متکی بر اطلاعات نهایی توافق کرده بود و شخص ب شخصاً از حدود توافق خارج گردید پس از یک سو شخص ب از حدود توافق خارج گردید و از سوی شخص الف نیز وی را تحریک به معامله نموده بود. در اینجا شخص الف به صراحت به معامله متکی بر اطلاعات نهانی تحریک شده و نه بر دستکاری در قیمت که موضوع بند «۳»^۱ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ است، این ها دو جرم، در دو بند متفاوت هستند و نمی توان با تفسیر موسع، این طور تفسیر نمود که فرد، تنها طریق و شیوه تحصیل سود را عوض کرده است بلکه در اینجا شخص ب اساساً نوع جرم را عوض کرده است و مرتکب جرم دیگری شده است، پس با جمع دو شرط نداشتن وحدت قصد و مؤثر نبودن تحریک، نمی توان فرد الف را معاون دانست با توجه به این دو دیدگاه به نظر می رسد نظر دوم با منطق حقوقی سازگارتر است.

فرض سوم این است که اگر معاون فردی را تحریک به ارائه اطلاعات به فرد دیگری کند و آن فرد اطلاعات را ارائه کند در حالی که آن فرد، اطلاعات بر اساس وظیفه در اختیارش قرار نگرفته است، آیا در اینجا فرد تحریک کننده معاون است یا خیر؟ در اینجا به نظر می رسد اقدام فرد تحریک کننده، معاونت در جرم نیست، زیرا معاون در نظام کیفری ایران مجرمیت خود را از مباشر به عاریه می گیرد، در اینجا

۱- هر شخصی که اقدامات وی نوعاً منجر به ایجاد ظاهری گمراه کننده از روند معاملات اوراق بهادار یا ایجاد قیمت های کاذب و یا اغوای اشخاص به انجام معاملات اوراق بهادار شود.

اقدام مباشر به دلیل آن که اساساً اطلاعات بر حسب وظیفه در اختیار وی قرار نگرفته بود، بزه موضوع بند ۱ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ تلقی نمی شود که بتوان اقدام تحریک کننده را معاونت در بزه موضوع این ماده دانست. فرض آخر این که اگر فردی ملاحظه کند همکار وی که بایگان است و اطلاعات بر اساس وظیفه در اختیارش قرار گرفته، اطلاعات را به دیگری ارائه می کند و آن فرد سکوت کند آیا می توان سکوت وی را حمل بر معاونت نمود؟ در این مورد همان طور که پیشتر اشاره شد دو نظر مطرح گردید: گروهی بر این نظر معتقدند که ترک فعل هیچ گاه معاونت تلقی نمی شود و معاونت همواره با فعل مثبت محقق می شود، از این رو سکوت این فرد را نمی توان معاونت دانست و اساساً هنگامی می توان عمل سکوت کننده را نه در قالب معاونت بلکه به طور مستقل جرم محسوب کرد، که قانون گذار به طور مستقل اقدام به جرم انگاری آن نموده باشد مانند ماده «۶۰۶»^۱ کتاب پنجم بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که در این ماده عدم گزارش جرائم ارتشاء، اختلاس، کلاهبرداری یا تصرف غیرقانونی یا جرایم موضوع ماده ۵۹۹ و ۶۰۳ قانون مذکور از سوی هر یک از رؤسا یا مدیران یا مسئولین سازمان ها و موسسات مذکور در ماده ۵۹۸ قانون فوق الذکر جرم دانسته شده است، لذا سکوت این فرد نه معاونت است و نه در قالب مستقل جرم دانسته شده است. اما گروه دیگر معتقدند خویشتن داری به منظور تسهیل وقوع جرم و یا خودداری از منع ارتکاب جرم که از آن افاده تحریک یا ترغیب بشود، ممکن است نوعی معاونت تلقی گردد در این مثال فرد سکوت کننده صرفاً ناظر است و هیچ نقشی در ارتکاب جرم ندارد بنابراین معاون نیست اما اگر رفتارش حمل بر تأیید ضمنی فعل مباشر اصلی شود و به گونه ای باشد که از آن افاده تأیید و قبول شود، می توان اقدام وی را معاونت دانست (سهرابی پور، ۱۳۸۸، ۲۱). با توجه به دو نظر مطرح شده به نظر می رسد نظر اول با منطق حقوقی سازگارتر است. مجازات معاون در این جرم با توجه به بند ت^۲ ماده ۱۲۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ یک تا دو درجه پایین تر از مجازات جرم ارتكابی است. مجازات بزه استفاده از اطلاعات نهانی حبس تعزیری تا یک سال یا جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده یا زیان محتمل نشده است. با توجه به این که میزان جزایی نقدی در این ماده، نامعین و نسبی

۱- هر یک از رؤسا یا مدیران یا مسئولین سازمان ها و موسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از وقوع جرم ارتشاء یا اختلاس یا تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری یا جرایم موضوع مواد (۵۹۹) و (۶۰۳) در سازمان یا موسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیتدار قضایی یا اداری اعلام ننماید علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال به انفعال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

۲- در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین تر از مجازات جرم ارتكابی.

است، حبس در این ماده ملاک عمل قرار می‌گیرد (کریمی، ۱۳۸۸، ۱۲). حبس مندرج در این ماده درجه هفت محسوب می‌شود پس بالاتر مجازات معاون با استناد به بند ۱۲۷ قانون مذکور در درجه هشت قرار می‌گیرد چرا که درجه هشت آخرین درجه است و تنها یک درجه مجازات وی از مباشر کمتر است.

۷- شرکت در جرم استفاده از اطلاعات نهانی

شرکت به معنی همدست شدن در کاری است (میرزایی منفرد، ۱۳۹۲، ۲۳۸). فرد شریک باید در عملیات اجرایی جرم مشارکت کند بنابراین در این جرم نیز شریک باید در عملیات اجرایی استفاده از اطلاعات نهانی شرکت کند به عنوان مثال دو یا چند نفر با همکاری و مشارکت یکدیگر اطلاعات نهانی را که بر حسب وظیفه در اختیارشان قرار گرفته، در دسترس سایرین قرار می‌دهند، یا آنها را به سایر افراد توصیه می‌کنند یا به دیگران این اطلاعات را انتقال می‌دهند. در هر صورت افراد باید در عملیات اجرایی جرم شریک باشند و صرف مداخله در عملیات مقدماتی کفایت نمی‌کند. بنابراین اگر برخی از افراد صرفاً اطلاعات را بر روی یک افزار ذخیره داده انتقال دهند بدون این که آن را در دسترس سایرین قرار دهند، صرف این امر یک عمل مقدماتی است و نمی‌توان بر آن اطلاق شرکت در عملیات اجرایی کرد ثانیاً باید رفتار انتقال، ارائه، در دسترس قرار دادن، توصیه و امر کردن به فاعل منتسب باشد به عبارت دیگر بتوان بین رفتار فرد و فاعل رابطه انتساب برقرار کرد و عمل را به او نسبت داد. فرد شریک باید همانند مباشر جرم، اطلاعات بر اساس وظیفه در اختیارش قرار گرفته باشد، چرا که مشارکت در ارتکاب جرم همان مباشرت است که با همکاری دو یا چند نفر صورت می‌گیرد بنابراین نفس عمل شریک همان نفس عمل مباشر است و تفاوت تنها در تعداد افراد است. از سوی دیگر شریک باید علم به نهانی بودن اطلاعات به صورت اجمالی داشته باشد یعنی بداند از یک رانت اطلاعاتی استفاده می‌کند و اطلاعات در دسترس سایرین نیست و هنوز انتشار نیافته و نیز بداند که اطلاعاتی که او می‌خواهد در اختیار سایرین قرار دهد، قابلیت اضرار یا انتفاع را دارند یعنی احتمال این که بر اثر آنها سودی عاید شود یا از زیانی جلوگیری شود، وجود داشته باشد. بنابراین اگر شریک نسبت به این امر ناآگاه باشد که اطلاعاتی که در نزد اوست نهانی می‌باشد و آنها را به فردی انتقال دهد در اینجا به دلیل منتفی بودن علم به موضوع، سؤنیت عام مخدوش می‌شود و عمل فرد جرم محسوب نمی‌شود. مجازات شرکت در این جرم همانند مباشرت در جرم است و شریک همانند مباشر به سه ماه تا یک سال حبس یا جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده یا زیان متحمل نشده یا هر دو مجازات محکوم می‌گردد.

۸- تعدد در جرم استفاده از اطلاعات نهانی

تعدد جرم بنا به تعریف عبارت است از ارتکاب جرایم متعدد بدون آن که متهم برای اتهامات متعدد پیشین خود به محکومیت قطعی کیفری رسیده باشد، خواه جرایم متعدد در فواصل کوتاهی ارتکاب یافته باشند، چندان که زمان برای تعقیب و محکومیت متهم نبوده، خواه متهم متواری بوده و یا جرایم او به دلایل گوناگون کشف نشده باشد (رهبری، ۱۳۸۸، ۳۲). جرم استفاده از اطلاعات نهانی یک جرم تعزیری است، از این رو گزاره تعدد در مورد این جرم نیز جاری است که در قالب چند فرض به تحلیل صور گوناگون می پردازیم.

فرض اول: فردی با جعل کردن عنوان حسابرس یا بازرس به اطلاعات نهانی یک شرکت دست می یابد و اطلاعات را به فرد دیگری ارائه می دهد، در این مثال فرد به جعل، استفاده از سند مجعول و استفاده از اطلاعات نهانی محکوم می شود. مجازات جعل بر اساس ماده «۵۳۳»^۱ کتاب پنجم بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ حبس از شش ماه تا سه سال یا سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی، مجازات استفاده از سند مجعول بنا بر ماده «۵۳۵»^۲ قانون مذکور حبس از شش ماه تا سه سال یا سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی و مجازات استفاده از اطلاعات نهانی سه ماه تا یک سال یا سه جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده یا زیان محتمل نشده، از بین این سه مجازات، مجازات مقرر در مواد ۵۳۳ و ۵۳۵ کتاب پنجم بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ از درجه شش^۳ و مجازات مقرر در بند ۱ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴

- ۱- اشخاصی که کارمند یا مسوول دولتی نیستند هر گاه مرتکب یکی از جرایم مذکور در ماده قبل شوند علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال یا سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.
- ۲- هر کس اوراق مجعول مذکور در مواد (۵۳۲) و (۵۳۳) و (۵۳۴) را با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال یا سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.
- ۳- مجازات های تعزیری به هشت درجه تقسیم می شود: ... درجه ۶- حبس بیش از شش ماه تا دو سال. - جزای نقدی بیش از بیست میلیون ریال تا هشتاد میلیون ریال. - شلاق از سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه و تا نود و نه ضربه در جرائم منافی عفت. - محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال. - انتشار حکم قطعی در رسانه ها. - ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال - ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال. - ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال.

درجه هفت محسوب می شود. در اینجا سه رفتار مجرمانه صورت گرفته، بنابراین به استناد ماده «۱۳۴»^۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ چون تعداد جرائم ارتكابی سه جرم است، مرتکب به سه سال حبس محکوم می شود.

فرض دوم: صورتی است که فردی از اطلاعات نهانی استفاده می کند و اقدام اش موجب اخلال در نظام اقتصادی می گردد، در این باره دو نظر وجود دارد: گروهی اعتقاد دارند که بر رفتار مجرمانه فرد عنوان تعدد معنوی بار می شود زیرا بر رفتار واحد فرد عناوین مجرمانه متعدد بار شده است که یکی از آن عناوین اخلال در نظام اقتصادی و دیگری استفاده از اطلاعات نهانی است که مرتکب به موجب ماده «۱۳۱»^۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به مجازات اشد محکوم می شود. در این مثال مرتکب به استناد ماده «۲»^۳ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ به بیست سال حبس محکوم می شود. گروه دوم معتقدند که در اینجا نمی توان حکم به تعدد صادر نمود زیرا هنگامی که جرمی توسط رفتار دیگری رخ دهد که این رفتار دستیار یا واسطه، بر پایه قانون، عنوان مجرمانه دارد ولی به جهت واسطه بودن جرم جداگانه ای به شمار نمی رود، حکم به تعدد معنا ندارد. برای نمونه طبق بند الف ماده ۱ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹: «اخلال در نظام پولی یا ارزی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب سکه قلب یا جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع نمودن عمده آنها اعم از داخلی و خارجی و امثال آن.» در این بند و نیز بندهای دیگر این ماده، بزه اخلال در نظام اقتصادی از رهگذر رفتارهایی رخ می دهد که خود جرم هستند، از این رو هر کس از طریق جعل

۱- در جرائم موجب تعزیر هر گاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه برای هر یک از آن جرائم حداکثر مجازات مقرر را حکم می کند و هر گاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به این که از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می نماید. در هر یک از موارد فوق فقط مجازات اشد قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجراء شود، مجازات اشد بعدی اجراء می گردد. در هر مورد که مجازات فاقد حداقل و حداکثر باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد تا یک چهارم و اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد تا نصف مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه می گردد.

۲- در جرائم موجب تعزیر هر گاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می شود.

۳- هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده یک چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد. دادگاه می تواند علاوه بر جریمه مالی و حبس، مرتکب را به بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق در انظار عمومی محکوم نماید.

اسکناس، اخلال در نظام اقتصادی پدید آورد، گویی دو جرم جعل اسکناس و اخلال در نظام اقتصادی را انجام داده است با این حال در اینجا جعل اسکناس نمی تواند بزه جداگانه ای باشد، بلکه همچون واسط اخلال در نظام اقتصادی است به سخن دیگر عنوان مجرمانه در اینجا اخلال از طریق جعل اسکناس است نه جعل اسکناس و اخلال در نظام اقتصادی و همین امر نشان می دهد که جعل اسکناس به عنوان یکی از پاره های رکن مادی اخلال در نظام اقتصادی مطرح می شود. در این مثال نیز در صورتی که بگوییم استفاده از اطلاعات نهانی منجر به اخلال در نظام تولیدی شده است، تنها عنوان اخلال از طریق استفاده از اطلاعات نهانی محقق است نه هر دو عنوان بر یک رفتار بار شود، البته این فرض در صورتی قابل پذیرش است که اساساً بتوانیم جرمی تحت عنوان اخلال در نظام اقتصادی از طریق استفاده از اطلاعات نهانی متصور شویم و بدون این وصف، این فرض نیز صحیح نمی باشد و فرد تنها به استفاده از اطلاعات نهانی به موجب بند ۱ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ محکوم می شود.

فرض سوم: حالتی است که فردی اطلاعات شرکت خود را به دیگری دهد و هم زمان بر اساس اطلاعات نهانی شرکت دیگری معامله کند، در این فرض بر اساس تعدد واقعی به موجب ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محکوم و مجازات می شود زیرا مرتکب دو رفتار انجام داده است: رفتار نخست این که اطلاعات نهانی شرکت خود را در اختیار شرکت دیگری قرار داده است و رفتار دوم این که بر اساس اطلاعات نهانی شرکت دیگری، معامله انجام داده است. هر دو رفتار مجرمانه که توسط مرتکب صورت گرفته است، از درجه هفت محسوب می شود، بنابراین مجازات های مندرج در بند «۱» و بند «۲»^۱ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ با یکدیگر جمع می شوند و هر دو در حق مرتکب اعمال و اجرا می شوند.

فرض چهارم: حالتی است که فردی با استفاده از اطلاعات نهانی که بر حسب وظیفه در اختیارش قرار گرفته، مرتکب معامله متکی بر اطلاعات نهانی می شود. در مورد این فرض دو نظر وجود دارد: گروه اول معتقدند که فرد مرتکب بر رفتارش دو وصف مجرمانه بار می شود: نخست استفاده از اطلاعات نهانی و دیگری معامله مبتنی بر این اطلاعات و بر این اساس به موجب ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به مجازات اشد محکوم می شود که مجازات اشد در اینجا یک سال حبس است. گروه دوم معتقدند فرد تنها به معامله مبتنی بر اطلاعات نهانی محکوم می شود و بر رفتارش عنوان استفاده از

۱- هر شخصی که با استفاده از اطلاعات نهانی به معاملات اوراق بهادار مبادرت نماید.

اطلاعات نهانی مترتب نیست. این گروه در جهت اثبات ادعای خویش دلایلی را اقامه می کنند. دلیل نخست این که گزاره تعدد عموماً بین دو عنوان مجرمانه برقرار می گردد که رابطه بین آن دو عموم و خصوص من وجه می باشد، نه عموم و خصوص مطلق. در این مثال رابطه بین استفاده از اطلاعات نهانی و معامله مبتنی بر این اطلاعات عموم و خصوص مطلق است. دامنه استفاده، عام تر از معامله است به گونه ای که هر معامله ای استفاده از اطلاعات نهانی است، اما هر استفاده از اطلاعات نهانی، معامله نیست از این رو بین این دو عنوان مجرمانه، گزینه تعدد جاری نمی شود. دلیل دوم این که در معامله متکی بر اطلاعات نهانی استفاده از اطلاعات نهانی مستتر است و فی الواقع استفاده از اطلاعات نهانی مقدمه لازم است برای معامله. در این جرم مرتکب تا زمانی که به اطلاعات نهانی دسترسی نداشته باشد، نمی تواند بر اساس آنها معامله کند. به سخن دیگر، هر گاه و در هر جایی یک بزه توسط یک شخص ارتکاب یابد و مقدمه اش همواره انجام یک بزه خاص باشد، بزه مقدمه هیچ گاه عنوان مجرمانه مستقل محسوب نمی شود. برای نمونه بر پایه ماده ۴۹۸ کتاب پنجم بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵: «هر کس با هر مرامی، دسته، جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن بر هم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می شود.» در اینجا فرد نمی تواند مرتکب بزه اداره کردن دسته یا جمعیت شناخته شود، مگر این که در آغاز آن دسته یا جمعیت را تشکیل دهد. پس تشکیل دادن در اینجا مقدمه لازم اداره کردن است و اگر یک نفر هر دو رفتار را انجام دهد تنها یک بزه و آن هم اداره کردن دسته یا جمعیت است، در این مثال نیز هر چند فرد از اطلاعات استفاده کرده و بر اساس این تحلیل های اطلاعاتی معامله ای را انجام داده، تنها به موجب یک بزه و آن هم معامله مبتنی بر اطلاعات نهانی مسئول است نه بزه مقدماتی استفاده از اطلاعاتی نهانی. دلیل سوم این که زمانی که قانون گذار عملیات اجرایی یک بزه را به عنوان بخشی از رکن مادی جرم دیگر قرار داده باشد، فرد مرتکب تنها به موجب مقرره مستقل مجرم شناخته می شود نه به موجب هر دو مقرره، مانند حمل اسلحه برای سرقت موضوع ماده «۶۵۱»^۱ کتاب پنجم بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ که در اینجا تعدد جرم صورت نمی گیرد. در استفاده و معامله مبتنی بر اطلاعات نهانی نیز قانون گذار استفاده را به عنوان بخشی از عملیات اجرایی معامله قرار داده، بنابراین فرد تنها به موجب بند ۲ ماده ۴۶ مجازات می گردد.

۱- هر گاه سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد مرتکب از پنج تا بیست سال حبس و تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می گردد..... ۳- یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند. ...

فرض پنجم: اگر فردی از اطلاعات نهانی چند مرتبه استفاده کند مثلاً یک بار اطلاعات را به فرد دیگری بفروشد سپس در اختیار فرد دیگری قرار دهد و... آیا در اینجا گزاره تعدد جاری است؟ در خصوص این فرض دو نظر وجود دارد: گروه اول معتقدند که در اینجا گزاره تعدد واقعی جاری است چرا که فرد مرتکب دو رفتار مادی مشابه شده است و بر اساس مقرر ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به حداکثر مجازات مقرر که یک سال حبس است، محکوم می‌شود. گروه دوم معتقدند گاه به دلیل افعال مجرمانه مستقل رفتار واحد به نظر جرایم متعدد جلوه می‌کند. دیوان عالی کشور هم در دو رأی به این شق پرداخته است: به موجب حکم شماره ۱۲۸۸ مورخ ۱۳۲۵/۰۸/۰۷ شعبه دوم دیوان عالی کشور: «بزه سرقت وقتی متعدد محسوب است که محل سرقت مختلف و نوع مال مسروقه و تاریخ ارتکاب متفاوت باشد، بنابراین اگر کسی غله موجود در انباری را در ظرف چند روز سرقت کند، چون محل سرقت و نوع مال یکی است بزه متعدد محسوب نمی‌شود.» در حکم شماره ۴۶۹ مورخ ۱۳۱۹/۰۲/۲۶ شعبه پنجم دیوان عالی کشور چنین مقرر کرده است: «اگر کارمندی یک مبلغ تنها در چند نوبت از کسی رشوه بگیرد، تعدد دفعات تحویل گرفتن وجه مزبور، موجب تعدد جرم نخواهد بود.» در مورد مثال چند مرتبه استفاده از اطلاعات نیز رفتار مجرمانه به ظاهر متعدد جلوه کرده است و گزاره تعدد جاری نیست چون از یک اطلاعات چند مرتبه استفاده شده است و شبیه رای دیوان عالی کشور در مورد رشوه است حتی بر فرض محال که قائل به گزاره تعدد واقعی شویم و بگوییم که دو مرتبه جرم استفاده از اطلاعات نهانی صورت گرفته، چون بزه مذکور در جه هفت است گزاره تعدد به موجب تبصره «۴» ماده ۱۳۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، درباره این درجه از مجازات اعمال نمی‌گردد و اثر عملی بر آن مترتب نمی‌باشد. در این تبصره آمده: «مقررات تعدد جرم در مورد جرایم تعزیری درجه هفت و هشت اجرا نمی‌شود، این مجازات‌ها با هم و نیز با مجازات‌های درجه یک تا شش جمع می‌گردد.» با توجه به دو نظر مطرح شده به نظر می‌رسد نظر دوم با منطق حقوقی سازگارتر است با این حال در همه فروض تعدد توجه به یک نکته ضروری است و آن نکته این است که برای جاری ساختن گزاره تعدد باید به درجه جرم تعزیری توجه کنیم و در صورتی که جرم از زمره جرایمی غیر از جرایم تعزیری درجه هفت و هشت است، این گزاره را جاری نماییم.

۱- مقررات تعدد جرم در مورد جرائم تعزیری درجه های هفت و هشت اجراء نمی‌شود. این مجازات‌ها با هم و نیز با مجازات‌های تعزیری درجه یک تا شش جمع می‌گردد.

۹- تکرار در جرم استفاده از اطلاعات نهانی

تکرار جرم، وصف افعالی کسی است که به موجب حکم قطعی لازم الاجرا از یکی از دادگاه های ایران محکومیت کیفری یافته و بعداً مرتکب جرم دیگری شده است که مستلزم محکومیت شدید کیفری است. در مورد تکرار در بزه استفاده از اطلاعات نهانی باید به سابقه پیشینی و پسینی دقت کرد. این جرم، چون خود از لحاظ مجازات از زمره جرایم تعزیری درجه هفت می باشد چنانچه خود به عنوان یک جرم پیشینی یا پسینی قرار گیرد، عنوان تکرار جرم تحقق پیدا نمی کند بنابراین اگر فردی یک مرتبه مرتکب بزه استفاده از اطلاعات نهانی شود و به موجب آن محکوم شود و مجازات گردد و دوباره مرتکب یک جرم تعزیری درجه یک تا شش شود، چون سابقه پیشینی این جرایم یک جرم درجه هفت بوده پس وصف تکرار تحقق نمی یابد و بالعکس اگر فردی یک مرتبه مرتکب یک بزه تعزیری درجه پنج شود و به موجب آن محکوم و مجازات گردد و دوباره مرتکب یک جرم تعزیری درجه هفت و یا هشت شود، وصف تکرار محقق نمی یابد چون سابقه پسینی این جرم درجه هفت یا هشت است.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب ارائه شده به نظر می‌رسد، هر چند مقنن در جرم انگاری استفاده از اطلاعات نهانی کوشیده و در صدد این امر بوده که با وضع ضمانت اجرای کیفری از استفاده از اطلاعات در غیر از کانال مقرر جلوگیری کند اما مجازاتی که برای این جرم در نظر گرفته شده، اندک و مبهم است، با وجود این که در صدر ماده ۴۶ این قانون برای مرتکبین جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سودی که در اثر ارتکاب جرم تحصیل می‌شود یا زبانی که با ارتکاب جرم از وقوع آن جلوگیری شده به عنوان یک مجازات و حبس از سه ماه تا یک سال به عنوان مجازات تعیین شده، اما نحوه محاسبه سود به دست آمده در اثر جرم یا زبانی که با وقوع جرم از محقق شدن آن جلوگیری شده در قانون مورد حکم قرار نگرفته است، از سوی دیگر حبس تعیین شده در این مقرر نیز اندک است و از درجه هفت محسوب می‌شود که به جای سخت گیری نسبت به این مرتکبین مشمول هر گونه اقدام ارفاق آمیز می‌شود. با این اوصاف به نظر می‌رسد قانون گذار بدون در نظر گرفتن اصل تناسب جرم و مجازات، طیف بزه دیدگان و لزوم توجه به فواید و هزینه های جرم انگاری و کیفرانگاری و دیگر ضرورت های جرم انگاری به کیفرانگاری دست یازیده و باعث تشتت آراء در محاکم و تضييع حقوق اشخاص خصوصا سهامداران خرد شده است.

منابع

- احمدپور، احمد و رسایان، امیر، ۱۳۸۵، رابطه اطلاعات مالی و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام، **فصلنامه نامه مفید**، شماره ۵۷.
- اعتمادی، حسین؛ مؤمنی، منصور؛ فرج زاده دهکردی، حسن، ۱۳۹۱، مدیریت سود، چگونه کیفیت سود شرکت را تحت تاثیر قرار می دهد، **مجله پژوهش های حسابداری مالی**، دوره چهارم، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۲.
- انصاری، علی و صفدری، مرضیه، ۱۳۹۰، ضمانت اجرای حقوقی معاملات در بازار سرمایه مطالعه تطبیقی در حقوق کشورهای مالزی و آمریکا، **فصلنامه بورس اوراق بهادار**، دوره چهارم، شماره ۱۶.
- بشیری، عباس و پوررحیم، مریم، ۱۳۹۰، **اسرار تجاری الکترونیکی کاربردی در قانون تجارت الکترونیک ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- پرستش، نسربین، ۱۳۸۷، ارزیابی اهمیت نسبی و سهولت دسترسی به انواع اطلاعات در بازار بورس تهران، **فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی**، دوره شانزدهم، شماره ۴۸.
- جنیدی، لعیبا و نوروزی، محمد، ۱۳۸۸، شناخت ماهیت اطلاعات نهانی در بورس اوراق بهادار، **فصلنامه حقوق**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۹، شماره ۲.
- رهبری، ابراهیم، ۱۳۸۸، **حقوق اسرار تجاری**، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- سلیمان دهکردی، الهام، ۱۳۹۱، **حمایت کیفی از حق دسترسی آزاد به اطلاعات در حقوق ایران و ایرلند**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه قم.
- سهرابی پور، لیلا، ۱۳۸۸، اطلاعات چراغ راهنمای بازار سرمایه، مصاحبه با دکتر سیدعلی حسینی، مجله بورس، شماره ۸۵.
- عیوض لو، رضا؛ راعی، رضا؛ محمدی، شاپور، ۱۳۹۱، اثرات تقویمی در احتمالات معاملات مبتنی بر اطلاعات نهانی، **فصلنامه بورس اوراق بهادار**، سال پنجم، شماره ۱۸.
- قاسمی حامد، عباس و نوروزی، محمد، ۱۳۹۰، استفاده از اطلاعات نهانی در بازار اوراق بهادار، **فصلنامه تحقیقات حقوقی**، شماره ۵۳.
- کریمی، مسعود، ۱۳۸۸، احتمالات، **فصلنامه رمزنگاری**، شماره ۱۲.

- میرزایی منفرد، غلامعلی، ۱۳۹۲، تحلیل جرم سوءاستفاده از اطلاعات نهانی در بازار اوراق بهادار، فصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۵.
- نادران، الیاس و رضایی، محمدجواد، ۱۳۹۰، اقتصاد اسلامی و دلالت نظریه انتخاب عمومی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۴۲.
- نوبخت، زهرا، ۱۳۸۵، ارزیابی شفافیت اطلاعات شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران، مجله بورس، شماره ۵۴ و ۵۵.
- قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ -
- کتاب پنجم بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵
- قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴
- قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید به منظور تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- بخشنامه افشای فوری اطلاعات مصوب ۱۳۸۰/۰۳/۲۵ سازمان بورس اوراق بهادار
- دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۶/۰۵/۰۳
- حکم شماره ۴۶۹ مورخ ۱۳۱۹/۰۲/۲۶ شعبه پنجم دیوان عالی کشور
- حکم شماره ۱۲۸۸ مورخ ۱۳۲۵/۰۸/۰۷ شعبه دوم دیوان عالی کشور
- Alexander, kern, 2001, insider Dealing and market abuse: the financial service and market act 2000, ESR center for Business Research, university of cambridge working paper No.222, Available at www.cbr.ac.uk/pdf/wp222.pdf?ref=klassitan bul.
- Black, Henry Campbell, 2004, Blacks law Dictionary, Eightn Edition, thomsen west.
- Cheffins, Brain R, 1997, company law, theory, structure and operation, university of British Columbia, Clarendon press, oxford.
- Easterbrook, Frank H and Fischel, Daniel R, 1991, the Economic structure of company law, Massachusetts, Harward university press.
- Goulding, simon, 1996, principles of company law, second Edition, London cavandish.

- Miller roger Leroy and jantz gaylord, 2004, Business law today, sixtn Edition, Thomson.
- Morse geoffery, charless worth and morse, 1996, company law, fifteentn Edition, sweet and Maxwell.
- Nyatung beny lour, 2008, the political Economy of insider legislation, sixtn Edition.
- Stamp, mark, 1998, practica company law, London, sweet and maxwel.
- Vanessa, Edward, 1999, Ec company law, first Edition,new yourk, oxford university press.